سبک مراقبت

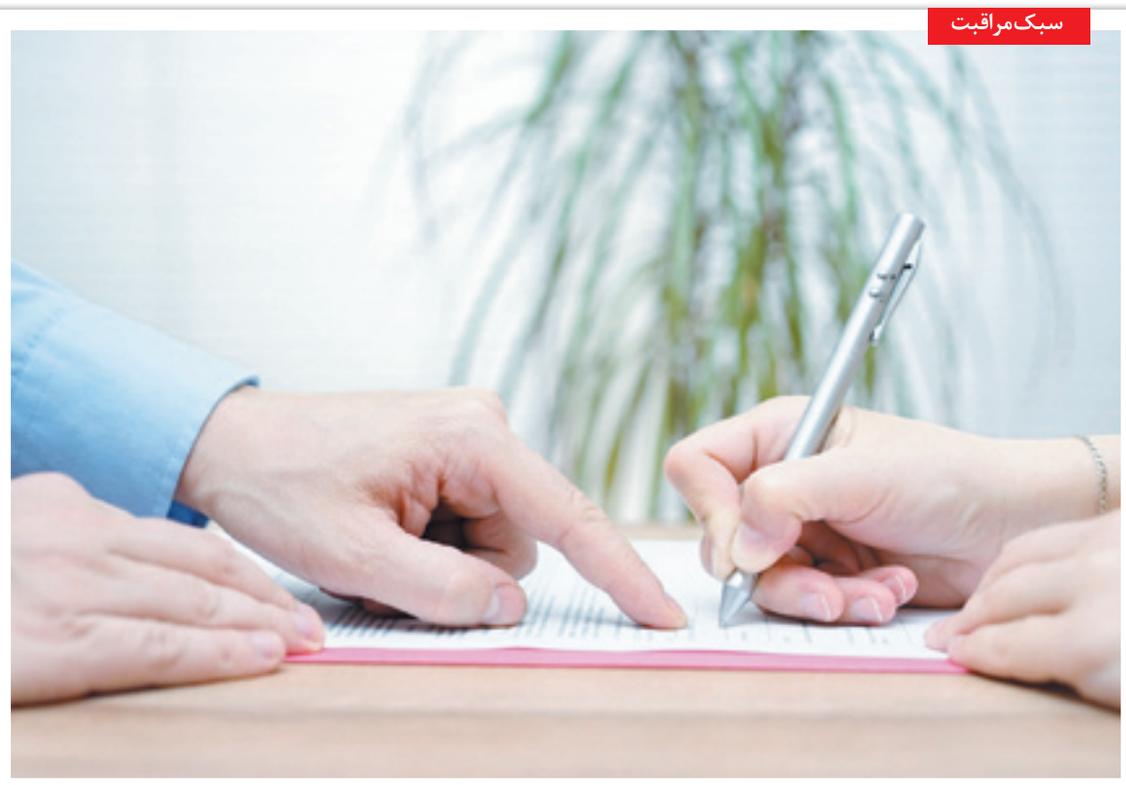

طلاق بین مردانی که مدرک تحصیلی دیپلم و بالاتر دارند ۶۸ درصد (۴۲ درصد دیپلم، لیسانس و بالاتر ۲۶ درصد)، راهنمایی ۲۸ درصد و ابتدایی ۴ درصد بوده است. در بین زنان نیز کسانی که دارای مدرک تحصیلی دیپلم و بالاتر بوده، ۶۲ درصد (۴۸ درصد دیپلم و ۴ درصد لیسانس و بالاتر)، راهنمایی ۲۶ درصد و ابتدایی نیز ۱۲ درصد بوده است. تحصیل کرده‌ها بیشتر از کسانی که دارای مدرک تحصیلی پایین‌تر هستند، طلاق می‌گیرند. در اینجا معلوم می‌شود که طلاق در طبقه متوسط بیشتر از طبقه پایین است و نتیجه قبلی تأیید می‌شود

بررسی آماری متغیرهای مؤثر بر طلاق

زوج‌های طبقه متوسط بیشتر جدا می‌شوند

■ دکتر امان الله قرایی مقدم*

میزان طلاق بین زنان شاغل طبقه متوسط، به مراتب کمتر از زنان خانه‌دار است. در نتیجه اگر چه بین اقشار متوسط جامعه طلاق بالاتر از طبقه پایین و بالای جامعه است اما در رابطه با شغل متفاوت است. در میان زنان خانه‌دار آستانه تحمل برای گرفتن طلاق بالاتر است زیرا به لحاظ باور به هنجارهای کهن و به لحاظ آنکه زن شغل و درآمد مستقلی ندارد و صرفاً خانه‌دار است و وابستگی اقتصادی شدیدی به شوهر دارد و مرد را نان آور خانه می‌داند. به همین لحاظ زن با آنکه ممکن است سازگاری نداشته باشد و به اجبار ازدواج کرده باشد اما به لحاظ ترس از طلاق و بی‌سرپرست شدن و اینکه شغل و درآمدی ندارد و از طرفی چون ارزش‌ها و هنجارهای کهن اجتماعی در او نهادینه شده کمتر به طلاق می‌اندیشد و روی می‌آورد. در همین رابطه طلاق در بین اقشار مختلف طبقه بالای جامعه هم به لحاظ تناسب فکری، فرهنگی، بینش‌ها و نگرش‌ها و هم به لحاظ اینکه زن از رفاه اقتصادی و امکانات بالایی در زندگی برخوردار است کمتر است.

با وجود آنکه ممکن است عشق، محبت، همکاری و احترام متقابل که پایه و اساس بقای زندگی خانوادگی است کمتر وجود داشته باشد اما چون امکانات مالی بر اینگونه کمبودها سرپوش می‌گذارد، کار کمتر به جدایی و طلاق می‌کشد. در ادامه به عوامل متغیرهای مؤثر در آمار طلاق می‌پردازیم.

■ **عوامل اقتصادی، مسکن و طلاق**

از جمله عوامل مؤثر در افزایش یا کاهش میزان طلاق، میزان درآمد اقتصادی خانواده و تأمین زندگی است. به عبارت دیگر هر اندازه درآمد خانواده بالاتر می‌رود، از میزان طلاق کاسته می‌شود، البته به شرط آنکه تناسب فکری و فرهنگی وجود داشته و ازدواج با آگاهی نسبی صورت گرفته باشد. در همین رابطه تحقیقات نشان می‌دهد، ۶۶ درصد طلاق‌ها مربوط به کسانی است که مستأجر بوده‌اند. یعنی چگونگی وضع مسکن زوجین در افزایش میزان طلاق مؤثر است. البته نوع شغل مردان ممکن است متغیر اقتصادی را تحت‌الشعاع قرار دهد.

■ **مشاغل مردان و زنان و تأثیر آن در طلاق**

تحقیقات نشان می‌دهد شغل مرد و زن یکی از عوامل مؤثر در طلاق است. به طوری که بر اساس یک تحقیق در مورد مردان ۱۲ درصد بیکار، ۳۴ درصد کارمند، ۴۴ درصد شغل آزاد و ۶ درصد کارگر بوده‌اند. به عبارت دیگر طلاق بین کارمندان و مشاغل آزاد یا به طور کلی طبقه متوسط بیشتر از کسانی است که وضع اقتصادی آنها بسیار مناسب یا نامناسب است.

مشاغل زنان نیز یکی از عواملی است که در طلاق مؤثر است. به طوری که طلاق بین ۷۶ نفر نمونه آماری: زنان خانه‌دار ۳۰ نفر (۳۷/۵ درصد)، شغل آزاد ۲۰ نفر (۲۵ درصد) کارمند ۱۰ نفر (۱۲/۵ درصد)، آموزگار سه نفر (۳/۷۵ درصد)، پزشک دو نفر (۲/۵ درصد)، مهندس دو نفر (۲/۵ درصد)، نظامی دو نفر (۲/۵ درصد)، راننده دو نفر (۲/۵ درصد)، دانشجو یک نفر (۱/۲۵ درصد) و بیکار چهار نفر (۵ درصد) بوده است. به عبارت دیگر ۴۶ نفر از طلاق گرفته‌ها شاغل و ۳۰ نفر خانه‌دار بوده‌اند.

■ **تحصیلات زوجین و تأثیر آن در طلاق**

عامل دیگری که طبق تحقیقات انجام شده از سوی محققان و صاحبنظران این حوزه در افزایش یا کاهش میزان طلاق مؤثر است، تحصیلات زوجین است. به طوری که طلاق بین مردانی که مدرک تحصیلی دیپلم و بالاتر دارند ۶۸ درصد (۴۲ درصد دیپلم، لیسانس و بالاتر ۲۶ درصد)، راهنمایی ۲۸ درصد و ابتدایی ۴ درصد بوده است. در بین زنان نیز کسانی که دارای مدرک تحصیلی دیپلم و بالاتر بوده، ۶۲ درصد (۴۸ درصد دیپلم و ۴ درصد لیسانس و بالاتر) راهنمایی ۲۶ درصد و ابتدایی نیز ۱۲ درصد بوده است.

نتیجه آنکه طلاق بین زنان و مردانی که دارای مدرک تحصیلی دیپلم و بالاتر هستند، بیشتر است. یعنی تحصیل کرده‌ها بیشتر از کسانی که دارای مدرک تحصیلی پایین‌تر هستند، طلاق می‌گیرند. در اینجا معلوم می‌شود که طلاق در طبقه متوسط بیشتر از طبقه پایین است و نتیجه قبلی تأیید می‌شود.

■ **طول دوران نامزدی و تأثیر آن در طلاق**

در مورد تأثیر دوران نامزدی در افزایش یا کاهش میزان طلاق، تحقیقات به عمل آمده نشان می‌دهد بیشترین درصد مربوط به زوجینی است که طول دوران نامزدی‌شان کوتاه بوده است. به طوری که ۴۸ درصد مربوط به کسانی است که دوران نامزدی‌شان تنها بین یک تا سه ماه، (۴۸ درصد) بین چهار تا شش ماه (۱۶ درصد) بین هفت تا ۹ ماه (۱۶ درصد) و بقیه بین ۹ تا ۱۲ ماه است.

در نتیجه می‌توان گفت هر چه طول دوران نامزدی بیشتر باشد (البته تا حد معینی، حدود یک سال) طلاق کمتر صورت می‌گیرد و برعکس. زیرا در دوران نامزدی دختر و پسر با خلق و خو و نقاط ضعف و قوت یکدیگر آشنا می‌شوند و یکدیگر را بیشتر می‌شناسند و تصمیم به ازدواج آنها منطقی‌تر و عقلانی‌تر است. از این رو باید تناسبی بین دوران نامزدی و عروسی وجود داشته باشد. یعنی نه آنقدر کم باشد که فرصتی برای آشنایی وجود نداشته باشد و نه آنقدر طولانی که مشکل به وجود آید.

*جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

تأثیر اشتغال زنان بر استحکام خانواده

شغل سخت سوهان روح زن است

سبک اشتغال

درصد بالایی از زنان شاغل فقط به خاطر حفظ جایگاه اجتماعی خود یا به نوعی به دنبال پایگاه اجتماعی از دست رفته خود، به کار و شغل روی می‌آورند. مشاغل سخت سوهان روح زنان است. نه جسم زنان و نه روح آنها سنخیتی با مشاغل سخت و طاقت فرسا ندارد اما بسیاری از آنها برای گذران زندگی و بهتر شدن شرایط زندگی فرزندانشان تن به این سختی و مرارت می‌دهند.

■ بهنام صدقی

آیا نمی‌توان شرایط اشتغال در جامعه را برای زنانی که به هر دلیل شاغل هستند متناسب با ویژگی‌های روحی و جسمی آنها فراهم کرد؟ بی‌تردید معنای تساوی بین زنان و مردان شرایط کاری یکسان نیست. تساوی بدین معناست که باید هر کس بر اساس توانایی خود از دیگری متمایز باشد. زنانی که ساعات طولانی کار کردن در خارج از منزل آنها را از فرزندانشان دور نگه می‌دارد و خستگی ناشی از این بازه زمانی روح و روان مناسبی برای اخلاق خوش یا ابراز عواطف نسبت به همسر و فرزندانشان باقی نمی‌گذارد یا مادرانی که در طول ساعات حضور در محل کار به فکر فرزند کوچک خود هستند و دائم در این فکرند که او را کجا بگذارند، دچار مشکلات بسیاری در زندگی و کار خود می‌شوند.

آیا منفعت جامعه به این است که به هر قیمتی از این زنان به عنوان یک نیروی مردانه استفاده شود؟ یا اینکه می‌توان با بهبود شرایط زنان و مادران در محل کار، در افزایش انسجام خانواده و در نهایت توسعه پایدار جامعه سهیم شد؟ معصومه جودمردی، پژوهشگر اجتماعی معتقد است شرایط زندگی جامعه مدرن چه در کشورهای غربی و چه در ایران ساختار خانواده را از شکل گسترده آن به هسته‌ای تبدیل کرده و تبعاتی به وجود آورده است که از جمله آن تغییر نقش و جایگاه زن است. گفته‌های این کارشناس را می‌خوانید.

■■■

■ **تقسیم روشن وظایف میان مرد و زن**

از نظر پارسونز، جامعه‌شناس، برای رسیدن به حداکثر کارکردهای خانواده هسته‌ای، وجود دو تفاوت اساسی در میان اعضای خانواده ضروری است. یکی وجود دو قطب مخالف (تصمیم‌گیری و پیروی) و دیگری تقسیم کار بر اساس جنس و تفکیک نقش‌ها میان زن و مرد. به اعتقاد وی این نقش‌ها در خانواده باعث استحکام آن می‌شود. مردان از طریق شغل و حفظ امنیت و آسایش خانواده و زنان با عاطفه و محبت خود، می‌توانند به حفظ این پایگاه مهم کمک کنند.

هر گونه تداخل در ایفای این نقش‌ها باعث به هم خوردن تعادل زندگی می‌شود. بحث اصلی که در این مجال به آن پرداخته می‌شود تأثیر اشتغال زنان بر عدم استحکام خانواده امروزی است، آن هم نه به عنوان یک پدیده نوظهور، بلکه به عنوان پدیده‌ای که خاص شرایط زندگی امروزه به حساب می‌آید و چندین دهه است که نمی‌توان از بروز آن اجتناب کرد.

■ **مشکلات مالی، زنان را به سمت کار بیرون از خانه می‌کشد**

شرایط زندگی امروزی و مشکلاتی که صنعتی شدن برای جوامع مختلف به وجود آورده است باعث بر هم خوردن الگوی مورد نظر پارسونز در جوامع مختلف شده است. در ایران موارد دیگری مانند شرایط اقتصادی نابسامان و فشار اقتصادی بالا از یکسو و افزایش زنان تحصیلکرده از سوی دیگر به نوعی مسئله اشتغال زنان خارج از منزل را اجتناب ناپذیر کرده است. حتی می‌توان گفت هجوم گسترده زنان به سمت دانشگاه‌ها به نسبت میزان کمتر مردان، می‌تواند به علت همین شرایط اقتصادی نابرابر باشد. فشار اقتصادی مردان را بیشتر به سمت کسب درآمد سوق می‌دهد و اهمیت تحصیل و آموزش عالی در رتبه بعدی قرار می‌گیرد. در نتیجه زنان با درصد بیشتری به ادامه تحصیل می‌پردازند. از طرفی مشکلات مالی بسیار که در زندگی مشترک کاملاً نمایان است زنان را به سمت کار بیرون از خانه ترغیب می‌کند.

■ **جسم و روح زنان سنخیتی با مشاغل طاقت‌فرسا ندارد**

درصد بالایی از زنان شاغل فقط به خاطر حفظ جایگاه اجتماعی خود یا به نوعی به دنبال پایگاه اجتماعی از دست رفته خود، به کار و شغل روی می‌آورند. مشاغل سخت سوهان روح زنان است. نه جسم زنان و نه روح آنها سنخیتی با مشاغل سخت و طاقت فرسا ندارد اما بسیاری از آنها برای گذران زندگی و بهتر شدن شرایط زندگی فرزندانشان تن به این سختی و مرارت می‌دهند. حال که در جامعه کنونی مسئله اشتغال زنان با تمام پیشوندها و پسوندهایش جزء لاینفک جامعه ما شده است، آیا نمی‌توان برای نزدیک‌تر کردن شرایط زندگی به سمت الگوی پیشنهادی پارسونز تدابیری اندیشید؟

پارسونز جامعه‌شناس برای جامعه خود این نسخه را ارائه داده است اما پیش‌تر از آن در جامعه ما مسلمانان، پیشوایانمان الگوهایی بهتر و کامل‌تر از او برای استحکام خانواده ارائه داده‌اند. بنابراین کمی تأمل لازم است.

■ **خانواده، مهم‌ترین عنصر جامعه**

خانواده یکی از مهم‌ترین عناصر جامعه و غیر قابل انکار است که هر تغییر و تنزلی در خانواده می‌تواند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر جامعه اثرگذار باشد. تربیت فرزندانی که آینده ساز جامعه ما هستند در همین خانواده‌های امروزی صورت می‌گیرد پس تزلزل یا استحکام خانواده مسئله حائز اهمیتی است که می‌تواند زوال و نابودی یا رشد و شکوفایی یک جامعه را رقم زند. جوامع غربی با اینکه پیشینه موفقی در ایجاد استحکام در خانواده ندارند ولی متوجه اهمیت این مسئله شده‌اند و راهکارهای عملی بسیاری برای بهبود وضعیت زنان شاغل و سیاستگذاری برای افزایش زاد و ولد در جامعه خود ارائه داده‌اند. ما نیز می‌توانیم بعد از بومی سازی، بسیاری از این راهکارها را در جامعه خود پیاده کنیم. فقط کافی است به اهمیت مسئله پی ببریم.

سبک پوشش

واگویه‌ای از زبان یک زن خطاب به همسرش

مانکن‌های بی‌روح!

■ **حجت‌الاسلام مهدی حسین پور**

اوایلی که در خیابان قدم می‌زدم، با اینکه چادر بر سرم بود ولی آنقدر با رنگ بندی‌های مختلف و متنوع خودنمایی می‌کردم تا بتوانم نگاه‌ها را به سمت خودم جذب کنم. ابتدا فقط و فقط قصد انتقام از شوهرم را داشتم. نه اینکه دنبال فساد باشم یا اینکه عمداً بخواهم گناهی را مرتکب شوم.

وقتی ساعت‌ها خودآرایی می‌کردم و منتظر برگشت شوهرم به خانه می‌ماندم تا به استقبالش بروم و خودم را نشانش دهم، از بی‌توجهی و نگاه سردش حرصم در می‌آمد، ناراحت می‌شدم از اینکه محبتش را به من ابراز نمی‌کرد و حتی یک کلمه هم نمی‌گفت. وقتی می‌دیدم که شوهرم در خانه هیچ اهمیتی به من نمی‌دهد برایم خیلی دردناک بود.

راستش را بگویم توقع داشتم وقتی من ساعت‌ها برای او وقت گذاشته‌ام او هم با گفتن جملاتی مثل (چقدر زیبا شدی، این لباس خیلی بهت میاد، ممنون که خودت رو برای من زیبا کردی) به من توجه کند ولی دریغ از یک کلام.

طبیعتاً یک زن نیاز به توجه دارد، نیاز به دلگرمی دارد و اگر اینها در خانه از طرف همسرش فراهم نشود او برای رفع این نیازها به بیرون از خانه پا می‌گذارد. نمی‌خواهم تصور کنید که من یک زن بی‌دین هستم و قصد دارم تا جامعه را آلوده کنم. نه، من هم نماز می‌خوانم، هم در جلسات روضه شرکت می‌کنم، هم قرآن می‌خوانم و هم خودنمایی می‌کنم!

خودنمایی برای دیگران، خودنمایی به خاطر دچار شدن به کمبود محبت، خودنمایی به خاطر انتقام گرفتن از شوهرم. در جلسات روضه اشک می‌ریزم و به حال خودم گریه می‌کنم وقتی می‌شنوم که آن روحانی بزرگوار حدیث پیامبر (ص) را نقل می‌کند «اگر مرد به زنش بگوید دوستت دارم این حرف هیچ وقت از ذهن او بیرون نمی‌رود.»

آری من به یاد دارم دوستت دارم هایی را که در دوران نامزدی شوهرم به من هدیه می‌کرد. ولی چه زود تمام شد. می‌خواستم در آن جلسه روضه، از آن روحانی بزرگوار سؤال کنم که چرا شوهرم به من اظهار محبت نمی‌کند؟ چرا نگاه محبت آمیزش را از من دریغ می‌کند؟ چرا با دستان گرمش دستان سرد من را نمی‌گیرد؟ مگر خودتان نقل نکردید که پیامبر (ص) می‌فرمایند: «هر گاه بنده‌ای به چهره همسرش، و همسرش به چهره او نگاه محبت‌آمیز کند، خداوند به آن دو با نگاه مهرآمیز می‌نگرد. پس هر گاه دست یکدیگر را بگیرند گناهان آن دو از لای انگشتان‌شان فرو می‌ریزد.»

نه تنها من بلکه دختران و زنان زیادی هستند که از کم توجهی و بی‌توجهی شوهرانشان، خودشان را در کوچه و خیابان و به هر بهانه‌ای به مانکن‌های بی‌روحی برای جلب توجه تبدیل کرده‌اند.

مگر نه اینکه زنان هم نسبت به مردان حقوقی دارند! خوب به یاد دارم آن عبارت را که در رساله حقوقی امام سجاد (ع) آورده شده که ایشان فرموده بودند: «حق همسر این است که بدانی خدای عزوجل او را مایه آرامش و انس تو قرار داده و بدانی که این خود نعمتی است از جانب خدا به تو. پس او را گرامی بدار و با او مهربان باش.»

نمی‌دانم چه کردم و چه شد؟ نمی‌دانم که چه بر سرم آمد؟ نمی‌دانم که چگونه چادرم را از دست دادم؟! حالا که دقت می‌کنم، بیشتر به معنای کلام پیامبر (ص)، درباره خودم پی می‌برم که فرمودند: «المرءة ریحانه: زن ریحانه است.» کاش تمام مردان عالم پی به این کلام پر معنا می‌بردند تا دیگر هیچ زنی با خودنمایی در بیرون از خانه، فریاد حقارتش را سر ندهد. از راه حرام، گدایی محبت نکند و خودش را به یک موجود بی‌ارزش تبدیل نکند.

خودم هم به خوبی می‌دانم که خودنمایی زن در بیرون از کادر خانواده، نتیجه‌ای جز به فساد کشیدن جامعه و حقارت زن به همراه ندارد.

قسم به خدا که خجالت می‌کشم از اینکه به این وضع دچار شدم، خجالت می‌کشم از چادر نمازم، خجالت می‌کشم از فریادهای دختر حسین (ع) در کربلا، که به دنبال تکه پارچه‌ای می‌گشت تا سَر و رویش را بپوشاند. خجالت می‌کشم از شهیدی که سرخی خونش را به سیاهی چادرم بخشید. خجالت می‌کشم از چادرِ خاکی زهرا (س) که پشت در سوخت، ولی از سَرش نیفتاد.

اعتراف می‌کنم که اشتباه کردم و از خداوند می‌خواهم مرا مورد رحمت خودش قرار دهد. من بر می‌گردم. حتی اگر شوهرم در ابراز محبتش به من همچنان لال باقی بماند. وَ أَن لَیس لِلإنسان اِلّا ما سَعی: «هر کسی در گرو اعمال خویش است.»

نگاه

این گل لطیف نقشی زیبا بر دفتر زندگی می‌زند

■ **زینب قدیری**

زن، بخشی از فلسفه وجودی آفرینش بوده و سرشار از احساس لطیف و معصومیت بی‌منتهاست که لبخندها را در گریه‌های شبانه خود مدفون می‌سازد و محبت بی‌دریغش را نثار قلب‌های بی‌ریا می‌کند. محکم و استوار و در عین حال شکننده و لطیف. زن موجودی دوست داشتنی و زیباست که در فراسوی تمام خستگی‌ها، نامهربانی‌ها، نابرابری‌ها و تهمت‌ها فقط سکوت می‌کند و لبخند می‌زند. زن سرچشمه محبت، صفا و مظهر عشق خدا بر دیدگان هستی بوده و دست پرورده الطاف پروردگار و برترین گوهر خلقت است. امیر بیان، مولای متقیان حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «زن گل است و لطیف نه دلیر.»

در کشور ما میلاد باشکوه حضرت فاطمه زهرا (س) که مصادف با بیستم جمادی الثانی است، روز زن نامگذاری شده است. در پانزدهم اردیبهشت سال ۱۳۵۹ امام خمینی (ره) روز تولد حضرت زهرا (س) را روز زن نام نهادند.

انتخاب چنین روزی به عنوان روز زن به معنای انتخاب زیباترین، متعالی‌ترین و مقدس‌ترین الگو برای زنان مسلمان و زنان همه جهان است. بدین مناسبت جشن‌هایی در سراسر کشور گرفته می‌شود و همه مردم به خصوص زنان این روز را به تمامی زنان عالم تبریک می‌گویند.

روز زن نشانه شخصیت زنانی است که در تاریخ اسلام هر یک در زمان خود اسطوره‌ای بزرگ و والا مقام بودند. آسیه زن فرعون، حضرت زینب (س)، حضرت مریم و حضرت خدیجه (س) که هر یک به عنوان یک زن نمونه و الگویی کامل از گذشت، مهربانی، صبر و ایثار برای بانوان امروز جهان هستند. زنانی که در برابر ظلم قد علم کردند تا صداقت، پاکی، حجب و حیا، عفت و خودباوری را به دیگر زنان عالم به اثبات برسانند.

به طور کلی زندگی و محور یک خانواده بر شخصیت زن استوار و زن معمار اصلی یک جامعه است. از ابتدای آفرینش انسان واژه زن به معنای زندگی و نشاط بوده و خود او به عنوان مونس مرد شناخته شده است. امام صادق (ع) می‌فرمایند: «خداوند صبر و تحمل ۱۰ مرد را به زن عطا کرده است».

روز زن نیز تنها محدود به یک روز و یک سال خاص نیست، بلکه هر روز را می‌توان روز زن نامید. او که با عشق بی‌شائبه خود نقشی زیبا بر دفتر زندگی می‌زند. زنی که شادی، آرامش و رفاه خود را جز در آسایش خانواده نمی‌بیند و در باشکوه‌ترین زمان اوج موفقیت خود اندیشه‌ای فراتر از پرواز در آغوش خانواده سراغ ندارد و با دستانی پر مهر و نگاهی مهربان به سوی روشن‌ترین افق پیروزی به منظور آسایش و امنیت خانواده گام بر می‌دارد. این گل لطیف نقشی زیبا بر دفتر زندگی می‌زند.